

دوشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۰ ● ۲۷ صفرالحرام ۱۴۴۳● ۴ اکتبر ۲۰۲۱

اخبار

کامران پارسی نوآذ مطرح کرد؛

تاخیر در برگزاری جایزه جلال جایی نیست

جایزه جلال آل احمد که از سال ۱۳۸۷ کار خود را آغاز کرده یکی از معتبرترین جوایز ادبی کشور است. این جایزه با هدف «ارتقای زبان و ادبیات ملی- دینی» از رهگذر بزرگداشت پدیده آوزندگان آثار برجسته، بدیع و پیشرو هر سال آذرماه برپا شده و جوایز را در چهار گروه داستان بلند و رمان، مجموعه داستان کوتاه، نقد ادبی و مستندنگاری به برگزیدگان اهدا می‌کند. آئین اختتامیه دوره پیشین این جایزه (سیزدهم) به دلیل شیوع کرونا دی ماه برگزار شد.

با تغییر دولت در سال جدید (۱۴۰۰) و انتخاب محمدمهدی اسماعیلی به عنوان وزیر جدید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انتصاب یاسر احمدوند به عنوان معاون فرهنگی این وزارتخانه هنوز فراخوانی برای چهاردهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد در رسانه‌ها منتشر نشده است. نهاد برگزاری این جایزه مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران (دفتر گسترش شعر و دبیات داستانی) است.

پارسی نژاد درباره برگزاری دوره چهاردهم گفت: اینکه تاکنون فراخوان این دوره منتشر نشده است، یک زنگ خطر است. احتمالاً مدیران هنوز درباره برگزاری یا عدم برگزاری این دوره در بالاتکلیفی به سر می‌برند. اما به هر حال تا آذر ماه فرصت چندانی باقی نمانده است و اگر قرار بر برگزاری است تا دیر نشده باید فراخوان را منتشر کنند.

وی افزود: جایزه ادبی جلال آل احمد، دوم آذرماه هر سال مصادف با زادروز جلال آل احمد برگزار می‌شود و سابقه آن به سال ۱۳۸۷ بازمی‌گردد. جایزه جلال بزرگترین جایزه ادبی کشور محسوب می‌شود و بسیار معتبر و ارزشمند است. به هر حال هر جشنواره و جایزه‌ای ممکن است در طول سال‌های مختلف دچار فراز و فرودهایی شود اما برای اثرگذاری تداوم آن ضرورت دارد. بویژه جایزه جلال که تاکنون نیز بسیار تأثیرگذار بوده و هدف والایی هم داشته است. مهم‌ترین هدف از برگزاری جایزه جلال ارتقای زبان و ادبیات ملی و دینی است. این هدف بزرگی است و جایزه جلال هم تاکنون در این راه موفق بوده است.

پارسی نژاد ادامه داد: به دلیل اهمیت جایزه جلال متولیان فرهنگی نباید نسبت به برگزاری این جشنواره و این جایزه نگاه یکسویه‌ای داشته باشند و در برگزاری آن تردید کنند و همچنین نباید برگزاری این جشنواره صرفاً برای رفع مسئولیت باشد. باید حداکثر استفاده را از جشنواره‌هایی مثل جایزه جلال برد.

نویسنده کتاب «جستارهایی در ادبیات داستانی معاصر» با اشاره به این نکته که ادبیات جشنواره‌هایی مانند جایزه جلال است که می‌توان وضعیت ادبیات معاصر را سنجید، گفت: جایزه جلال هم از نظر اعتبار معنوی و از نظر مبلغ مادی جایزه، بسیار معتبر است و برنده و برگزیده آن قطعاً سال‌ها تلاش کرده تا به چنین جایگاهی برسد، به هر حال داوری‌ها در این دوره هنوز منتشر نشده خطر عدم برگزاری آن به صورت ناخواسته وجود دارد.

نویسنده کتاب «خوشبرد در آتش: زندگی‌نامه داستانی خواجه نصیرالدین محمد طوسی» در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به این نکته که تأخیر در برگزاری جشنواره راهکار مناسبی نیست، گفت: عقب انداختن تاریخ برگزاری جشنواره راهکار مناسبی نیست. این جایزه به نام جلال است و باید مصادف با سالروز تولد جلال در دوم آذر برگزار شود. متولیان فرهنگی تصمیم گیرنده باید دور جدید این جایزه را هرچه سریع‌تر راه‌اندازی کنند.

اهمیت جایزه جلال در اعتلای فرهنگ ملی پارسی‌ها در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به یکی از راهکارهای استعمار در از بین بردن هویت ملت‌ها گفت: یکی از مسائل بسیار مهمی که می‌تواند فرهنگ و تمدن ملتی را نابود کند، از بین بردن الگوهای ملی است. این کار با تخریب چهره نویسندگان و ملی‌گرا نشاندن نشان دهنه دانشمندان و متفکران صورت می‌گیرد. به عبارتی در این کار الگوهای ملی از بین برده می‌شود و این یکی از راهکارها برای استعمار کشورهاست. در این راستا اگر جوایزی مانند جایزه جلال نادیده گرفته شود و یا اعتباری شود و با اعتبار خودش را از دست بدهد، ضریات جبران ناپذیری به فرهنگ و جریان مقابله با تهاجم فرهنگی وارد خواهد آمد و این تأثیر مخربی خواهد داشت.

نویسنده کتاب «نقد و تحلیل و گزیده داستان‌های محمدعلی جمال‌زاده» گفت: در طی سال‌های مختلف جایزه جلال فراز و فرودهایی داشته است. این جایزه چهار عنصر اصلی دارد که مهم‌ترین بخشش اعضای هیأت علمی است. اینکه این گروه متشکل از چه افراد و چه شخصیت‌هایی باشند و چگونه انتخاب شوند، مهم است. در دوره‌هایی دیده شده که در این بخش نقص‌های وجود داشته است. یکی از موارد آن این بود که در دوره‌ای یکی از اعضای هیأت علم‌اش در این دوره برگزیده شد و حرف و حدیث‌هایی را با خود به همراه آورد. هرچند که این ایراد به اساسنامه جشنواره برمی‌گشت و با اصلاح آن دیگر چنین اتفاقی رخ نداد.

مراسم رونمایی از کتاب «نگاهبان» شامل ۵۰ خاطره از نیروهای نگهدارنده اسیران عراقی در ایران دیروز شنبه ۱۰ مهر، با همکاری انتشارات سوره مهر و خبرگزاری تسنیم، با حضور مرتضی سرهنگی مدیر دفتر ادبیات مقاومت و پایدارِی، سرهنگ اصغر عزیزی، امیر سرتیپ رحمت شاه پناه، امیر سرتیپ دوم داوود مهدی‌زاده و سرهنگ شیروانی مدیرعامل انتشارات سوره مهر و نسرين ساداتیان نویسنده کتاب در خبرگزاری تسنیم برگزار شد.

در ابتدای این مراسم سرهنگی با اشاره به نحوه نگهداری اسرای عراقی در ایران گفت: ارتش نقش پیشانی بازی در نگهداری اسرای عراقی در ایران داشت. عراق در جنگ تمحیلی به جز جزاره و ویرانی، ادبیات را نیز از خود به جا گذاشت؛ طوری که ۶۰ عنوان کتاب از اسرای عراقی که در ایران نگهداری می‌شدند، نوشته شده است. این امتیاز بزرگی است و در هیچ کجای دنیا این امر سابقه ندارد. اسیر در هر جنگ دیگری همین که زنده می‌ماند، هنر کرده است، اما در طی جنگ تمحیلی اسرای عراقی، دست به قلم بردن و خاطراشتان را نیز نوشتند.

وی افزود: آن زمان من خبرنگار بودم. سعی می‌کردم تا ظاهر کارهایم را در دفتر روزنامه انجام دهم و بعد برای انجام مصاحبه به اردوگاه می‌رفتم و ناهار را در آنجا می‌خوردم؛ چرا که غذایی که اردوگاه به اسرا می‌داد به مراتب بهتر از غذایی بود که ما در روزنامه می‌خوردیم.

مدیر دفتر ادبیات مقاومت و پایدارِی در ادامه گفت: صدام، یکی از اردوگاه‌ها را پایگاه و دژ خود خطاب کرده بود. در این اردوگاه حدود چهار هزار اسیر بعثی نگهداری می‌شدند. ارتش ایران در آن زمان برای نگهداری این اردوگاه‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله بهداشت و درمان، تلاش فراوانی انجام داد.

در ادامه این‌نشست، عزیزی از اعضای کمیسین نگهداری اسرای عراقی در ایران گفت: از جمله سختی‌های جنگ، فارغ از اینکه چه کسی متجاوز بوده است، نگهداری از اسرا است. جمهوری اسلامی در طول ۲۲ سال، در بیش از ۲۲ استان و ۳۰ محل نگهداری از بیش از ۶۵ هزار اسیر نگهداری کرده است. نگهداری اسیر در جمهوری اسلامی یک نگهداری فیزیکی مانند آنچه در دیگر جنگ‌ها همچون جنگ جهانی اول و دوم و … رخ داد، نبود؛ بلکه یک نگهداری انسانی، اسلامی و ایرانی بود.



وی به تأثیر فرمان امام(ره) در نحوه نگهداری اسرا اشاره کرد و گفت: امام خمینی(ره) در ۱۲ فروردین ماه سال ۱۳۶۰، پس از عملیات فتح‌المبین و به اسارت در آمدن بیش از ۱۱ هزار نفر، در پیامی منشوری را جهت نگهداری از اسرا صادر می‌کنند. ایشان در این پیام تأکید داشتند که جوانان و کسانی که مسئولیت نگهداری اسرا را برعهده دارند، به‌گونه‌ای عمل کنند که طعم شیرین اسلام به اسرا چشانده شود.

عضو کمیسیون نگهداری از اسرای عراقی با اشاره به این بیت از شهریار که «بجز از علی که گوید به پسر که قاتل من/ چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا»، ادامه داد: فرهنگ نیروهای نگهدارنده اسرا الهام‌گرفته از منش و سیره امام علی(ع) بود. منش این نیروها در نگهداری از اسرای عراقی، چنانکه امام(ره) نیز تأکید کرده بودند، اسلامی، انسانی و ایرانی بود؛ این در حالی بود که نیروها تا پیش از این آموزش اسیرداری ندیده بودند.

عزیزی با اشاره به پیام امام خمینی (ره) گفت: رسیدن به این مرحله که طعم شیرین اسلام به اسرا چشانده شود، نیازمند مقدماتی بود و نهئا متوجه شرایط فیزیکی نبود. هیچ آزاده‌ای وجود ندارد که متجاوز بوده است، نگهداری از اسرا است. جمهوری روی تخت خوابیده باشد، اما اسرای عراقی در ایران همگی روی تخت می‌خوابیدند. وسایل زیستی، نظافتی، فرهنگی و… آنقدر مهیا بود که اگر مثلا اسیری در بیمارستان جا می‌ماند، خودش سوار تاکسی می‌شد و به اردوگاه برمی‌گشت. اسیری که دائما در فکر فرار بود و سعی داشت با به کارگیری ترغندهای مختلف فرار کند، به این نقطه می‌رسد

در رونمایی «نگاهبان» مطرح شد؛

اسرای عراقی ۶۰کتاب از خاطرات خود نوشتند



که خودش به اردوگاه برگردد. این امر چگونه حاصل شد؟ با رفتار و کردار نیروهای نگهدارنده اسرا.

وی همچنین گفت: بسیاری از این اسرا از مقدمات امور دینی اطلاعاتی نداشتند اما در طول دوران اسارت خود، باسواد می‌شوند، قرآن و نهج‌البلاغه را حفظ می‌کنند، در کلاس‌های آموزشی امور اسلامی شرکت می‌کنند و … همیشه در نماز جمعه یک بخشی وجود داشت که اسرا در آنجا حاضر می‌شدند و در نماز جمعه شرکت می‌کردند. نتیجه این نوع رفتار اسلامی، انسانی و ایرانی این شد که بیش از ۱۰ هزار نفر به لشکر بدر رفتند و در عملیات‌های مختلف از جمله کربلای ۲ و … شرکت کردند. همچنین در زلزله منجیل که اتفاق افتاد نیز تعدادی از اسرای عراقی حاضر شدند و شروع به کشف اجساد جانبازگان کردند. با تأکید امام(ره)، با اسرا طبیبانه برخورد کردیم. در حال حاضر بسیاری از این اسرا در موکب‌های اربعین حضور دارند و به فارسی صحبت می‌کنند. خاطرم هست ما بخشی را برای تهیه پرچم داشتیم. یکی از این اسرا گفته بود که من فقط پرچم «الله اکبر» و «محمد رسول‌الله» را درست می‌کنم. ما هم به او ایرادی نگرفتیم، اما پس از مدتی با توجه به نحوه برخورد نیروهای نگهدارنده اسرا، آمد و گفت که من دلم می‌خواهد فقط پرچم «یا زهرا(س)» بدوزم.

عضو کمیسیون نگهداری از اسرای عراقی در ایران در پایان گفت: در ابتدا اردوگاه‌ها به دلیل خالی بودن فضا، محل نگهداری اسرا انتخاب شدند. در ادامه جنگ تعداد اسرا به اندازه‌ای می‌رسد که

نگهداری آنها به خارج از تهران و در شهرهایی مانند بجنورد، ساری، گرگان و … نیز منتقل می‌شود. در مجموع بیش از ۳۰ مکان در ۲۲ شهر برای نگهداری اسرا در نظر گرفته شده بود. در مجموع نگهداری از اسرا برمبنای سه مؤلفه بود؛ نخست آرمان‌ها و اهداف امام(ره)، براساس نظر کمیسیون اسرا و در نهایت برمبنای تدابیر فرماندهان.

تغییر معنای اسارت برای بعضی‌های اسیر نسرین ساداتیان، نویسنده کتاب «نگاهبان»، نیز در این‌جلسه با اشاره به خدماتی که ایران برای نگهداری اسرای عراقی انجام داد، گفت: کتاب «نگاهبان» آبنمای برای انعکاس نگاه ننگهبانان و اسیران عراقی در کشورمان است؛ اسیری که تا آخرین گلوله با ما در جبهه نبرد جنگید و با کوله‌باری از افکار بعثی به دست رزمندگان ما اسیر شد. اسیری که تشنگی‌اش را با کاسه آب رزمندگان ما برطرف کرد و با داستان خاکی و پنبه‌بسته سربازان کشورمان سیراب شد.

وی افزود: حکومت بعث به آنها گفته بود که اسارت به دست ایرانیان، برابر است با شکنجه و مرگ. اما رزمندگان ایرانی با کاسه آب خود آنها را سیراب می‌کردند. برای یک انسان، البته انسانی که هنوز ردپایی از انسانیت در او وجود دارد، چیزی سخت‌تر از این نیست که بفهمد ایدئولوژی و باروش اشتباه بوده است.

بخش دیگر این مراسم به خاطره‌گویی تعدادی از روابان این اثر و حاضران در اردوگاه‌های اسرای عراقی اختصاص داشت که در آن، سرتیپ دوم رحمت‌الله شاه‌پناه از اعضای اردوگاه حشمثیه، در این بخش با اشاره به همدلی ایجاد شده میان اسرای عراقی با نیروهای ایرانی، خاطرم هست که برای انجام عمل جراحی در بیمارستان ۵۰۱ بستری بودم. دیدم تلفنم زنگ می‌خورد، وقتی جواب دادم متوجه شدم که فردی که پشت خط است، دارد به زبان عربی صحبت می‌کند. بعد از کمی صحبت متوجه شدم که یکی از اسرای که آزاد شده بود و در عراق زندگی می‌کرد با من تماس گرفته و جویای احوال است، گویا تعدادی از آنها شنیده بودند که من عمل جراحی انجام داده‌ام، خواستند تا با برقراری تماس احوال‌م را ببرسند. در ادامه این‌نشست امیر سرتیپ دوم داوود مهدی‌زاده و سرهنگ احمد حافظ اکبریان نیز به بیان خاطراتی از دوران هشت سال دفاع مقدس و حضورشان در اردوگاه‌های نگهداری از اسرای عراقی پرداختند.

قصه سربازان فرهنگی انقلاب و کاشفان روستاهای ناشناخته



در جواب به این شعار گفته بود: امیدوارم انسان به رشدی برسد که مسلسل را به قلم تبدیل کند.»(ص۳۵)

کشف روستاهای ناشناخته: تلاش ستودنی برای سوادآموزی اقشار مختلف

روستاهایی دورافتاده که راه ارتباطی با آنها چندان آسان نبود و از امکانات مناسب برخوردار نبودند، اما در کنار این سختی‌ها، نهضت نهایت تلاش خود را برای ایجاد سواد در سراسر کشور انجام می‌داد. ۱. «کوهی در جاده فریمان بود که هیچ ماشینی نمی‌توانست از آن بالا برود. من و یکی از همکارهایم با لندروری که نهضت بهمان داده بود از آن بالا رفتیم. به روستای جیزآباد رسیدیم. مردی جلوی ماشین دوید و گفت: خروس بیار… خروس بیار. گفتم: خروس برای چی؟ گفت: تایحال ماشین به این روستا نیامده.»(ص۲۱)

۲. «هفت هشت خانوار بیشتر نبودند. روستایی ناشناخته بود که مردمش با بیرون از روستا، ارتباط چندانی نداشتند و در بی‌خبری به سر می‌بردند. مسئول نهضت، حاج آقا سلطانی بود. گفت: تو فقط برو روستا کشف کن. هر روستایی کشف می‌کردیم، چند روز بعد یک آموزشیار می‌رفت آنجا.» (ص۲۱)

یک‌کتاب خاطره‌محور

کتاب «من به این آرم اعتماد دارم» رویکرد خاطره‌محور دارد که این خاطرات از مصاحبه با حدود ۲۵۰ نفر از آموزشیاران نهضت سوادآموزی استان خراسان انتخاب شده است و بیش از ۱۲۰ خاطره جذاب از ۱۰۰۰ فعال نهضت سوادآموزی در این کتاب آمده است. مرتضی نعیم، قربان ترخان، احسان مینایی راد، حسین ضیاء، محسن قاطمی نژاد و سید سجاد جلینی محققان این کتاب هستند و اسماعیل شرفی، فاطمه کتعیانی و زهره مومنی تدوینگران آن. البته این کتاب اولین کتاب انتشارات راه یار درباره «نهضت سوادآموزی» نیست و پیش‌تر از این، «دختر تبریز: خاطرات شفاهی صدیقی صارمی» و «معلم حسایی: خاطرات شفاهی صدیقی جعفری نیک» از همین انتشارات منتشر شدند که به ترتیب خاطرات دو تن از آموزشیاران نهضت سوادآموزی تبریز و مشهد را روایت می‌کند.

خاطرات سربازان مجاهد فرهنگی که به فرمان امام لیبک گفتند و داوطلبانه، با وجود شرایط مشقت‌بار خدمت در روستای محروم و دورافتاده، با روحیه جهادی و فداکاری مثال‌زدنی و اخلاص ویژه، برای زدودن بی‌سوادی از دامان آحاد مردم کشور انقلابی قدم برداشتند و زمینه‌ساز تحول بزرگ فرهنگی و اجتماعی در ایران اسلامی شدند. آموزشیاران در این کتاب، از سختی‌ها و موانع کار هم سخن می‌گویند که برای هر فعال فرهنگی و آموزشی جذاب و خواندنی است و ویژگی‌ها و روحیات اینها درس‌آموز و الهام‌بخش.

سختی کار نهضت جهت توجیه مردم و کارفرمایان «دوتا زد تو گوشم و گفت: گور بابای تو و انقلاب نگهبان کارخانه بود و بهش گفته بودن سپاهی، بسیجی یا روحانی اومد برنش. لباس نهضت هم شبیه لباس سپاه بود، ولی بدون آرم. ریخت و شکلم را شبیه خودشان کردم، ریشم رو کوتاه کردم، لباس‌هایم را تغییر دادم و رفتم. با کلی مکافات اجازه داد وارد شوم، وقت نماز بود یک راست رفتم نمازخانه، کارگرهای زیادی برای نماز آمده بودند، بلند شدم و گفتم: مسئول‌های شما دکتر و مهندس هستند که در آمریکا درس خوانده‌اند، اما نمی‌دانم چرا در قبال بی‌سوادی شما بی‌اعتنایتند.»(ص۱۵و۱۶)

فرمان امام، احیاگر نهضت سوادآموزی با وجود سختی‌ها و محرومیت‌های دهه پنجاه و شصت کشور، افرادی بودند که نسبت به این فاجعه «بی‌سوادی» و «محرومیت آموزشی» شکل گرفته در ایران دلسوز بودند و نهایت تلاش خود را برای باسواد کردن توده‌های بی‌سواد و کم سواد انجام دادند. با شروع انقلاب، به فرمان امام خمینی(ره) نهضت سوادآموزی در کشور تشکیل شد و امام افرادی را که سواد نداشتند را به یادگیری امر کرد. امام در پیام خود برای نهضت به این موضوع اشاره دارند: برنامه درازمدت فرهنگ وابسته به کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل می‌کنیم. امام زمینه رسیدن به این اهداف را باسواد شدن عموم جامعه و سپس رشد فکری آنها می‌داند. امام پیام خود را اینگونه صادر می‌کند: «هر کس نوشتن و خواندن ابتدایی را آموخته باشد برای این امر لازم است. تمام خواهران و برادران برای یادگیری و یاددادن به پا خیزید.»

عده‌ای از جوانان آن دوران به فرمان امام لبیک گفتند. پاسخ خیلی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی وقتی از آنها می‌پرسیدیم چرا نهضت را انتخاب کردید؟ همین بود: «فرمان امام».

برتری قلم بر مسلسل

امام(ره) عنایت ویژه‌ای به فعالان این نهضت داشت و حجت‌الاسلام محسن قرائتی که به عنوان نماینده خود در این سازمان جدید معرفی کرد، هراز چندگاهی هم برای فعالان نهضت وقت می‌گذاشت و آموزشیاران نهضت نیز به دیدار امام می‌رفتند و روحیه می‌گرفتند. «سال ۱۳۶۱ می‌خواستیم کلاس‌ها را تعطیل کنیم و برویم جبهه. یک عده از نهضت رفتند جمارن، نوشته‌ای هم با خودشان برده بودند: امام فرمان دهد، قلم را به مسلسل تبدیل می‌کنیم. امام

پویان کفیلی مطرح کرد؛

مطالبات سلب‌ریتی‌ها مطالبه همه سینما نیست

معروف و مشهورتر در سینما حضور دارند و بر همین اساس مطالباتی که مطرح می‌شود الزاماً مطالبات طبقه تبه‌دست عرصه فرهنگ و هنر نیست. هرچند بعد از اظهاراتی که از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره سینما مطرح شد، برخی از صنف سینمایی بی‌تابیهایی را صادر کردند، اما در نهایت خانه سینما ابراز امیدواری کرد که به یک تعاملی با مدیران دولتی برسد. رئیس انجمن دستیاران فیلمبردار سینما ادامه داد: واقع بیشتر دیدارها و بیانه‌هایی که صادر می‌شود از صنف سینما مطرح شد، به‌واسطه بی‌سبوری‌ها است که بی‌شک مطالبات این گروه از سینماگران با خواسته‌ها و نیازهای دیگر گروه‌های سینمایی متفاوت است، باید این را ببپذیریم که سینما یک صنعت است و در این

اخبار

احمدوند با ناشران مطرح کرد؛

مجوزهای کار نشر منطقی باشند

به نقل از روابط عمومی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نخستین جلسه از نشست‌های یاسر احمدوند معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تشکل‌ها و انجمن‌های حوزه نشر با هیت مدیره انجمن ناشران دانشگاهی برگزار شد.

در این‌جلسه علی‌اکبر طورانیان، سیدعباس حسینی نیک، کاظم آرمان‌پور، حامد علی‌اکبرزاده و مرتضی جعفری‌پور حضور داشتند و پیشنهادهای خود را درباره مسائلی چون چالش‌های پیش‌روی نشر دانشگاهی، برقراری عدالت در پارانه نشر و توزیع کاغذ، رتبه‌بندی ناشران، تشکیل شورای تشکل‌های نشر، ارایه تسهیلات به ناشران دانشگاهی و مبارزه با تکثیر و انتشار غیرقانونی کتاب‌های دانشگاهی مطرح کردند.

احمدوند در این نشست با تقدیر از زحمات دولت‌های پیشین در عرصه نشر گفت: فضای نشر ما با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. نشر دول‌ها در این سال‌ها زحمت کشیده‌اند. دستاوردهای نشر با همه مظلومیت‌ها و کمبودها قابل تقدیر و قابل اعتناست و از عملکرد همه مدیران که در سال‌های قبل زحمت کشیده‌اند تقدیر می‌کنم.

وی با اشاره به خلا رتبه‌بندی ناشران در فضای فعلی گفت: به تمام کسانی که متقاضی پروانه نشر بوده‌اند، مجوز داده شده اما با توجه به تعداد بالای آنها باید مجوزها ساماندهی شوند. در این‌مسیر باید منطقی عمل کرد. از این‌رو باید بپذیرد که مجوزها به‌راست بر اساس سازوکار درست باشد. همچنین باید نشری و ناشری اثری که به چاپ می‌رسد کیفیت‌سنجی انجام داد. معاونت امور فرهنگی نباید صرفاً به دادن مجوزها اکتفا کند بلکه باید کتاب‌هایی که مجوز می‌گیرند نیز کیفیت‌سنجی شوند.

معاون امور فرهنگی وزیر ارشاد در ادامه گفت: محتوای اثر هر ناشری با نشر دیگر فرق دارد. ممکن است ناشری ۲۰ کتاب در سال منتشر کند اما با کیفیت خوب؛ و ناشر دیگری ۶۰۰ کتاب با کیفیت پایین چاپ کند. باید تمایزی میان این دو ناشر وجود داشته باشد و این از راه رتبه‌بندی قابل انجام است. باید در حین بررسی کتاب رفتار آینده ما با کتاب مشخص شود که مثلاً اثر یا براسی مناسب است یا نه و برای چه مخاطبی مناسب است.

احمدوند در ادامه با اشاره به ضرورت تغییر ساز و کار خرید کتاب گفت: برخی از ناشران مایل به ارایه کتاب خود به دبیرخانه هیات انتخاب و خرید کتاب نیستند و ما طبیعتاً از خرید آثار آنها محروم می‌مانیم. فرصت محدودی برای بررسی این آثار وجود دارد. پس از خرید هم بعد این کتاب‌ها به انبار منتقل می‌شوند و متقاضیانی که درخواست تجهیز کتابخانه‌های مدارس یا دیگر نهاده‌ا را دارند به سوی این انبارها هدایت می‌کنیم. در چنین فرایندی معلوم است نمی‌توانیم کتاب‌های خوبی را انتخاب کنیم و خرید خوبی داشته باشیم. پس خرید و توزیع ما بی‌هدف انجام می‌شود. ممیزی کتاب فقط به عهده وزارت ارشاد نیست

وی در ادامه این‌نشست گفت: دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی باید محتوای نشر را هم کارشناسی کند ممیزی باید از سوی ناشر در فرآیند نشر دیده شود. نشر باید احساس مسئولیت کند و قبل از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرآیند بررسی و تایید کتاب در سازمان داخلی ناشر صورت گیرد. متأسفانه رویه‌ای ایجاد شده که گاهی ناشر کتاب را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌دهد و توق‌رعد تمام ممیزی‌ها در اینجا انجام شود، بلکه اداره کتاب باید نظارت نهایی را انجام دهد.

معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه درباره پارانه نشر برای خرید یا حمایت از ناشران گفت: بسیاری از این کتاب‌ها هدفمند نیست. پارانه باید به محتوای مناسبی که به دست خواننده مشتاق می‌رسد داده شود. نه اینکه کتابی را بی‌برنامه بخریم و انبار کنیم. تولید محتوای مناسب برعهده ناشر است و رساندن آن به دست مخاطب مشتاق از وظایف ماست. در حال بررسی برای پیدا کردن مدلی برای این موضوع در طرح فصلی پاییزه کتاب امسال هستیم.

احمدوند با اشاره به بررسی ایده مشارکت انجمن‌ها برای تخصیص برخی از پارانه‌های نشر گفت: با یک برنامه‌ریزی مناسب از سوی انجمن‌ها می‌توان از سایت‌ها و کتاب‌فروشی‌های آنلاین آنها حمایت کرد و برخی از پارانه‌های نشر را به سوی آنها سوق داد. باید انجمن‌ها در تشکیل این شورا همکاری کنند تا با حضور نمایندگان آنها درباره موضوعات مهمی همچون توزیع کاغذ نشر یا پارانه نشر تصمیم‌گیری شود و پس از بحث و تبادل نظر با مجموعه انجمن‌ها مدلی برای این منظور تدوین شود. باید با همکاری انجمن‌ها ساز و کاری برای اعطای اعتبار خرید کتاب به اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها در نظر گرفته شود.

ضرورت مقاله همه‌جانبه با تکثیر غیرقانونی کتاب

وی در پایان با اشاره به موضوع تکثیر غیر قانونی کتاب نیز گفت: تکثیر غیر قانونی اقدامی ناهنجارآمیز به حکومت است زیرا عملاً در مقابل تمام مجوزهایی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ناشر می‌دهد کسانی پیدا می‌شوند که کتاب‌های ناشران قانونی را به صورت غیرقانونی و به راحتی می‌فروشند. برای این منظور باید کارگروهی با حضور نمایندگان تشکل‌های نشر ایجاد شود. افراد کاربلدی در این کارگروه عضویت یابند. همچنین باید کارگروهی برای پلنفرم‌های فروش کتاب در فضای مجازی اندیشیده شود که کتاب‌ها را با تخفیف‌های آنچنانی به فروش می‌رسانند و به دیگر حلقه‌های نشر آسیب می‌زنند. تخفیف‌های غیرمعمول در این سایت‌ها نشان از سلامت و کار حرفه‌ای نیست.